
انتظار
عامل
مقاومت
و
حرکت

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار عامل مقاومت و حرکت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد بعثت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار عامل مقاومت و حرکت

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی ، لطف الله ، - ۱۲۹۷

عنوان و نام پدیدآور: انتظار عامل مقاومت و حرکت / لطف الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر: تهران : بنیاد بعثت ، واحد تحقیقات اسلامی ، ۱۳۶۵.

مشخصات ظاهری: ص ۷۸

شابک: ۱۲۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

موضوع: مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴ /ص الف ۲۹

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۶۵-۱۶۲۶

مقدمه

بسمه تعالی و له الحمد

پس از رحلت رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین و سید الشهدا علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است. از متن کتاب

«انتظار»، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می کشد و انواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان، ایجاد می نماید که بحث و سخن از آنها، نیازمند به حال و مجال بیشتری است.

این جزوه که در مقام بیان ارزش و اهمیت انتظار مؤمنین برای ظهور مولا، حضرت ولی عصر، امام زمان _ علیه الصلاه والسلام

ـ می باشد، در بررسی اثرات انتظار، به تبیین تأثیرات اجتماعی آن پرداخته، این امر را از زوایای گوناگون روشن می سازد، و تعهدات و وظائف یک منتظر را در قبال مقدمات ظهور و جامعه جهانی و مسلمین آشکار

می گرداند.

این کتاب که بار نخستین آن، سالها پیشتر از این، در دوره ننگین طاغوت منتشر شده بود، هم اکنون برای بار دیگر با تغییراتی اندک، به خدمت منتظران و علاقمندان به آستان قدس امام زمان، حضرت ولی عصر _ عجل الله تعالی فرجه الشریف _ تقدیم می گردد.

«الحمد لله الذی یؤمن الخائفین، وینجی الصالحین، و یرفع المستضعفین، ویضع المستکبرین، ویهلك ملوكاً، ویستخلف آخرین [۱] = سپاس خدا را که بیمناکان را ایمنی، و شایستگان را رهایی می بخشد، و مستضعفین را بلند می گرداند، و مستکبرین را فرو می کشاند، و پادشاهانی را هلاك می کند، و دیگران را به جای آنها می نشاند».

(هو الذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون) [۲] = «او (خدا) است آنکه پیامبر خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا دین حق را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

(ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون) [۳] = «به تحقیق در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

«ثلاث من کن فیه وجد حلاوه الایمان:

أن یکون الله، و رسوله أحبّ الیه مما سواهما، و أن یحب المرء لا یحبه إلا لله، و أن یکره أن یعود فی الکفر بعد أن أنقذه الله منه کما یکره أن یلقی فی النار [۴] = سه صفت است که در هر کس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است:

۱_ خدا و پیامبر خدا در نزد او، از هر چیز

و هر کس محبوبتر باشند.

۲_ هر کس را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

۳_ بعد از نعمت اسلام، از بازگشت به کفر (ارتداد و ارتجاع) کراهت داشته باشد، چنانچه افکنده شدن در آتش را کراهت دارد».

پاورقی

[۱] از دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

[۲] سوره توبه، آیه۳۳.

[۳] سوره انبیاء، آیه۱۰۵.

[۴] حدیث نبوی، الجامع الصغیر، ج۱، ص۱۳۵، حرف الثاء.

پیشگفتار

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه ها و اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمان و هر کس که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، مدنی، معنوی و مادی آن آشنا شود، لازم است. چنانچه فهم جوانب ایجابی و سلبی و مثبت و منفی دین، ارتباط آن با عمل و ترقی و کمال، بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، بهتر زیستن و ظهور ارزشهای انسانی، همه و همه منوط به دریافت درست این اصطلاحات است.

اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی آنها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهمائی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع، و هدفهای واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی بطور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورت دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود; زیرا موجب سوء ظن و بدگمانی و برداشتهای غلط و ناروا از دین می گردد; تا آنجا که مترقی ترین و کامل ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی عدالتی و نابرابری

می پندارند; و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره گیری می شمارند.

از این نظر معرفی مفاهیم واقعی هدفها و تعلیمات و ارشادات دینی، در هر رشته، و ارتباط آن با عمل و اخلاق، و تحرک و فعالیت و کوشش و مبارزه و مقاومت و جهش و پیشرفت، کما اهمیت را دارا است. به خصوص در زمان ما که بیگانگان می خواهند با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، جامعه و به ویژه نسل جوان را گمراه، و از آگاهیهای کافی پیرامون اصطلاحات و شعائر دین محروم نمایند، در معرفی مفاهیم یاد شده، توجه و دقت بیشتر لازم است.

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت، و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است مانند:

زهد، قناعت، توکل، تسلیم، قضا و قدر، علم غیب، شفاعت، ولایت، خلافت، امامت، وصایت، تقیه، دعا، زیارت، رژیم مستمر حکومتی اسلام در عصر حضور امام و عسر غیبت، فلسفه غیبت امام، روش تشیع و شیعه بودن، مرجعیت، و...

و از جمله، یکی هم «انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی اهل بیت و قائم آل محمد صلی الله و علیه و آله و سلم است.

اگر چه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز در اذهان، کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهیهای افراد محفوظ مانده است;

ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن، چنانکه باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد عرضه شده است، و در جهت جنبش و تحرّک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی الله (محبت به خاطر خدا)، بغض فی الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء الله، از آن بهره برداری نشده، بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازشکاری، وقوف، تسلیم، ساخت و باخت با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقّت، و مسکّن نگرانیها و نارضایتیهای جامعه از بی عدالتیها و فشارها و نابرابریها و مفاسد دیگر می پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوّت و حدّتش افزود تا همه تباهیها و نابسامانیها و بشر پرستی ها و استعبادها و استضعافهای گوناگون را بر باد دهد، فرو می نشاند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن کاخهای ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن تر شود، آب می ریزد.

لذا برای رفع هر گونه سوء تفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست

ناپـذیر، و شـناخت فلسـفه مراسم جشن و چراغـانی و خوانـدن دعـای نـدبه و توسـلات و توجّهـات، و عرض ادب ها به ساحت مقدس وبا عظمت حضـرت بقیه الله فی الارضـین ــ أرواحنا له الفداء ــ بخشی از کتابی را که در دست تألیف دارم، به کسانی که می خواهند از مفهوم صحیح انتظار ظهور و ارزش حقیقی آن آگاه گردند، تقدیم می نمایم.

امید است به خواست خداوند متعال اصل کتاب نیز در آینده نزدیک با تجدید نظر و بررسـی لازم در این بخش چاپ و منتشـر شود.

پیام منتظر

اشعار از قصیده «پیام منتظر» و از دیوان عالم فقیه، مرحوم آیه الله آقای آخوند ملا محمد جواد صافی والد مؤلف کتاب است.

بیا صبا ببر از این گدا یکی پیغام

بسوی پادشه مُلک جان، امام آنام

که ای طفیل وجود تو آنچه در گیتی است

که ای یگانه دوران و مفخر ایام

کنون که صفحه گیتی است پر ز جور و ستم

ز عدل و داد به عالم نمانده غیر از نام

فساد کرده جهان را چو شام هجران تار

صلاح رفته چو روی تو در عالم حجاب غَمام [۱].

چه شامها که به امید وصل گشت سحر

چه صبحها که نمودیم در فراقت شام

تو آفتاب وجودی، روا مدار دگر

به زیر سایه غیبت کند رخ تو مقام

نهیم در ره تو چند دیده امید

در انتظار تو تا کی بسر بریم ایام؟

خوش است گر بنمائی به عشاقان رویی

که جلوه ایش کند زنده دل خواص وعوام

به کعبه تکیه نمائی و مخلصان بینی

پی طواف درت بسته سر بسر احرام

در

آز پرده که از دین نماند رسم و اثر

به جان دشمن دون زن شرر ز برق حسام [۲] .

بیا که از تو شود پر زعدل و داد

جهان بیا که از تو شود فتنه جهان آرام

بیا که از تو شود نسخ رسم استبداد

جهان درآید در زیر پرچم اسلام

بیا که منتظران را به لب رسید نفس

بیا که طاقت ما طاق گشت و صبر تمام

بیا و قطع نما ریشه های استضعاف

برای یاری دین خدا نما اقدام

به یک نظر ز تومن قانعم شها، لطفی

خجسته آنکه به دیدارخود کنیش اکرام

جنود جهل نموده است روح من تسخیر

هوای نفس زعقلم ربوده است زمام

کنم چه چاره به محشر ولات حین مناص [۳] .

کجا پناه برم من، وَلَیسَ لی معصام [۴] .

مگر ولای تو زین مستمند گیرد دست

به این وسیله ز یزدان نمایم استرحام [۵] .

اگر به «صافی» مسکین نظر کنی شاید

که از ولایت تو یافت دینش استحکام

«اللهم أظهر به دینـک وسـنه نبیک حتی لا یسـتخفی بشـیء من الحق مخافه أحـد من الخلق [۶] = خدایا، به سـبب ظهور مهدی منتظر دین خود و سـنت پیغمبرت را آشـکار کن; آن چنانکه از بیم احدی از خلق چیزی از حق پنهان نگردد ـ و حق گوئی و حق پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد».

اللهم إنا نرغب الیک فی دوله کریمه تعز بها الاسلام وأهله، وتذل بها النفاق وأهله، وتجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک، والقاده الی سبیلک، وترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره [۷] = خدایا، ما از تو دولت با

کرامتی می خواهیم که به آن، اسـلام و اهـل اسـلام را عزیز گردانی، و نفاق و اهل نفاق را خوارسازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت روزی فرمائی».

پاورقی

[۱] غمام: ابر تیره.

[۲] حسام: شمشیر.

[۳] «و نیست آن زمان، زمان قرار و پناهندگی».

[۴] و نیست برای من پناهگاه.

[۵] استرحام: طلب رحمت و دلسوزی.

[۶] دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

[۷] دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

مناجات و نیایش

خدایا، تو را سپاس می گوئیم و هر کار و هر سختی را فقط با نام تو آغاز می کنیم، و جز تو را نیایش و پرستش نمی نمائیم و از غیر تو یاری نمی خواهیم.

چقدر از حقیقت و آزادی دور افتاده اند آنان که سـخنان و کارهایشان را به نام سرکشان و ستمگران می گشایند و به شرک و بت پرستی می گرایند، و در برابر نابکاران و استضعاف گران به تملّق و چاپلوسی و مدح و نیایش می ایستند و شرافت انسانیت خود را به طمع مال و مقام نابود می کنند.

خدایا، به بندگان برگزیده و نیک و فروتنت که وجودشان از استکبار و استثمار و استبداد و استضعاف دیگران منزّه است; و به نمونه های رحمت و مهر و برابری و برادری و انسان دوستی و خیر خواهی; به پیامبرانی که برای راهنمائی بشر و آزادی انسانها از ذلّت و اسارت فرستاده ای، خصوصاً گرامی ترین و عزیزترین بنده ات، سر حلقه أصفیا، خاتم انبیاء محمد مصطفی و خاندان پاک و

پاکیزه اش، درود می فرستیم.

و به آن شخصیت عظیمی که به فرمان تو کاخهای ستمگران را ویران، و بیدادگری و فساد و استبداد را ریشه کن می سازد و جهان را در پناه حکومت اسلام و نظامات قرآن، از شرّ کفر و شرک و رژیمهای فاسد و نظامات استعبادی و غیر انسانی نجات می دهد، حضرت ولی عصر و امان دهر، صاحب الامر حجه بن الحسن العسکری _ أرواح العالمین له الفداء _ صلوات و سلام عرض می کنیم.

خداوندا، این آیه از کتاب بزرگ تو است:

(و نرید أن نمنّ علی الذین اسضعفوا فی الارض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین) [۱] = «و چنین می خواهیم که بر آنان که در زمین به استضعاف گرفته شده اند، منت گذاشته و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

بارالها، تو وعده داده ای به آنانکه در این زمین استضعاف می شوند و حقوق و آزادی و موجودیتشان مورد تعرض و دستبرد واقع می شود، منت گذاری و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی.

تو خواسته ای که ضعیفان، و آنان که از حقوق خود محروم شده اند، با ظهور مهدی ناگهان به پاخیزد و انقلاب کنند وبا بزرگترین نهضت آزادی بخش، طاغیان و یاغیان و جباران را از صفحه زمین براندازند و به حیات زورمندان ستم کیش، و قوی پنجه گان ددمنش پایان دهند; و قصرهایشان را بر سرشان ویران، و جهان را از آلودگی عناصر کثیف ناپاک، پاک سازند.

آفریدگارا، تو وعده داده ای که مؤمنان و بندگان صالح و شایسته ات را به رهبری مهدی آل محمّد _

صلوات الله علیهم أجمعین ــ در زمین خلافت دهی تا نهضت جهانی اسلام را علیه بیداد گران و کسانی که حقوق ضعفا را پامال، و بر آنها به زور حکومت می کنند.

و علیه سرمایه دارانی که اموال ملتها را به یغما برده، و ربا خوارانی که با سرمایه گذاری در بانکها خون نیازمندان بی نوا را مکیده و به تهیدستان و افتادگان رحم نمی نمایند.

و علیه دانشمندانی که علم خود را وسیله کسب مال و جاه، و تقرب به فرمانروایان، و توجیه تجاوزات آنها قرار داده و در برابر منکرات و ستمگریها، و فحشا و هتك نوامیس و تجاوز به احکام تو، قفل خاموشی بر دهن زده اند.

و علیه آنان که با حکومت و احکام تو مخالفت می کنند.

و علیه اجتماعات فاسدی که زن و مردش در منجلاب فساد و فحشا، نابکاری، بی عفتی و بی حجابی و خود فروشی، غوطهور شده اند؛ آنچنان انقلابی بی امان و دگرگون کننده، و وسیع و همه جانبه بر پا کنند که به تمام بدبختیها، نابسامانیها، نابرابریها، بولهوسیها و تبعیضات، خاتمه دهند؛ و رعب و وحشت و ترس و بیم بشر را از شکنجه و آزارهای روحی و جسمی، تبدیل به امن و آرامش سازند.

خدایا، این سخن محکم و مؤکّد تو است:

(وعد الله الذین آمنوا وعملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم، ولیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم، ولیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً) [۲] = «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده است که حتماً ایشان

را در زمین جانشین و خلیفه قرار دهد ــ همان گونه که پیششینیان را خلافت بخشید ــ و دینشان را که برایشان انتخاب کرده و پسندیده است، پـا بر جـا و برقرار سازد و آنچنان ترس و ناامنی آنان را به آرامش و امنیت تبـدیل کنـد که فقط مرا پرستیـده و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند».

الها، پایان امور از برای تو و بازگشت همه به سوی تو و سرانجام نیک برای بندگان و پرستندگان تو است; آنان که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش تو ونظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین تو است.

آنان که در قرآن مجید در توصیفشان فرموده ای:

(الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصـلاه، وآتوا الزکاه وأمروا بالمعروف، ونهوا عن المنکر ولله عاقبه الامور) [۳] = «آنان که اگر در زمین مسـتقرشان سازیم، نماز به پا می دارنـد، زکات می دهنـد، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان امور از برای خدا است».

خدایا، تو اراده کرده ای که فرعونیان و هامانیان جهان را به کیفر برسانی و روز سیاهی را که از آن بیم دارند به آنها بنمایانی; توئی که فرموده ای:

(و نری فرعون وهامان و جنودهما منهم ما کانوا یحـذرون) [۴] = «و نشـان دهیم به فرعون و هامان و لشـکریانشان، آنچه را بیم داشتند».

خـدایا، تو می دانی که در جهـان، کسـانی که تو را می پرسـتند و به عـدالت، انسـانیت، شـرف، فضـیلت و حقیقت ایمان دارند مستضعف شده، و مستکبرین شرق و غرب، و آنها که از تو بیگانه اند، و اندیشه های شیطانی و آرمانهای حیوانی

دارند، قوی پنجه و سرکش گشته اند.

پروردگارا، تو آگاهی که ضعیف شمرده شدگان، از دست استضعاف گران و ستمگران چه می کشند; و تو می دانی که زورمندان برای زیردستان، هر روز و شب چه نقشه های جنایت کارانه طرح می کنند; و تو دانائی که اگر از عدل، صلح، آزادی، مساوات، انقلاب، همکاری، همزیستی، دموکراسی، سوسیالیزم، رفاه و هر لفظ و اصطلاح دیگر دم می زنند، دروغ می گویند و این الفاظ را بهانه رسیدن به مقاصد خائنانه و تسلط بر بندگان تو و غارت کردن ثروت و ذخائر مالی و معادن آنها کرده اند.

تو می دانی که زورمندان بزرگ، همانها که پرونده های خیانت و آلودگی و شهوترانی هاشان، کثیف ترین و رسواترین پرونده ها است، چگونه می خواهند دنیا را یک لقمه کنند و خود و گروهشان آن را یکجا ببلعند; و تو می دانی که سرمایه داران بزرگ دنیا که بیشتر یهودی و یهودی منش هستند و دارائیهای بی حساب را از غصب اموال کارگران مظلوم و توده های محروم اندوخته کرده و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و اخلاق بشر مسلط شده اند، همه را در مسیر ارضای شهوات و اندوختن سرمایه، استخدام کرده اند و چه جنایتها و قتل عامها می کنند، و چه جنگهائی را بر پا کرده و چه خونهائی را می ریزند. صدها هزار انسان بی گناه را در فلسطین از خانه و کاشانه خود آواره کرده و در بیابانها و صحراها سرگردان ساخته، و هر روز هم به بهانه ای به آنها حملهور می شوند، و زن و بچه و کوچک و بزرگشان

را می کشند.

بارالها، تو می دانی که تبعیضات نژادی چگونه به زور اقویا و زمامداران ملل متمدن نما، هنوز هم که هنوز است، قیافه زشت خود را نشان می دهد.

تو دانائی که بانوان به اسم آزادی و مساوات، غیر متساوی در اسارت افتاده و وسیله اطفاء شهوت مردان شده، و امنیت و آسایش ندارند; و از حقیقت مقدّس و رمز متعالی رابطه ازدواج و محیط انس و اطمینان و پر مهر و لطف خانواده محروم شده اند و روز به روز این تمدن منحوس یا توحش قرن اتم، آنها را به سوی سیاه چالهای سقوط پرت می کند.

تو آگاهی که در فرهنگ و تمدن غرب و شرق، غیرت همّت، فداکاری د عفت، نجابت، حجاب، حیا و آزرم چسان مفهومش مسخره و مبتذل و بی ارزش شده است که از آن چیزی جز لفظ باقی نمانده است.

خدایا، اگر ما به پا نخیزیم و بنشینیم و این همه صحنه های گمراهی و تباهی را در جهان ببینیم و تکان نخوریم، در پیشگاه تو شدیداً مسؤول و مقصّریم.

همه سنتهائی که تو برقرار کرده ای، یا مظلومان و محرومانی هستند که برای بر پا داشتن حق و مبارزه با جهل و ظلم و باطل قیام می کنند و جنود و امدادهای تو، همه پشتیبان حق پرستان و عدالت خواهان می باشند و برای نابودی ظلم و باطل، و ایجاد و گسترش حکومت حق و عدل، در کنار اهل حق و مجاهدان واقعی قرار دارند.

تو از مطبوعات دنیا، سینماها، مراکز فساد و فحشاء سیاستها، بازرگانی ها، فرهنگها و تعلیم و تربیتها، و از همه

اوضاع آگاهی و می بینی که همه این نمونه ها مظاهر انحطاط فکر بشر و گرایش او به سوی حیوانیت شده است.

جهان به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه زورمندان و استضعاف گران، و جبهه اکثریت استضعاف شده.

خدایا، ما نمی دانیم وقت ظهور فرا رسیده یا نه، اما این قدر می دانیم که مستضعفیم، و اگر آن انقلاب تمام عیار مهدی آل محمد _ عجّل الله تعالی فرجه _ وقتش نرسیده باشد، تو باید به ما همّت و نهضت و شوق دهی تا به پا خیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را به دست گرفته و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف خدا پرست، با صفوف فشرده و متحد، دین تو را یاری کنیم، و احکام تو را حاکم سازیم، و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم و به سوی آینده ای درخشان و اسلامی که نشانه آینده تابناک عصر حکومت مهدی باشد پیش رفته و روز بیدادگر و دشمن دین تو را سیاه سازیم.

خداوندا، یأس و ناامیدی از رحمت تو در هیچ حال جائز نیست و تو خود فرموده ای: (إن تنصروا الله ینصرکم ویثبت أقدامکم) [۵] = «اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می نماید و گامهایتان را استوار می دارد».

و (الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وإن الله لمع المحسنین) [۶] = «و آنان که در «راه» ما جهاد کنند البته آنان را به راههایمان هدایت می کنیم، و خداوند هر آینه با نیکوکاران است».

و با وعده های صریح تو هیچ کس را در ترک یاری حق و یاری

دین تو، عذری نیست. و انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام، علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانیها و عقب ماندگیها، و مخالف با تحول و تکامل انقلاب اسلام است; که این انتظار، انتظاری که در قرآن تو و در احادیث و روایات دستور داده شده، نیست.

ما را از انتظار بی هدف و بی معنی دور ساز و به آن انتظار حقیقی که عامل جنبش و حرکت و مبارزه و مقاومت است، هدایت و آشنا کن.

بارالها، ما را به مسؤولیتهای خطیری که در برابر تو، نسبت به دین تو و کتاب و احکام تو داریم، راهنمائی فرما; و به ما توفیق کامل عطا کن تا وظایف خود ا در راه یاری هدفهای عالی اسلام و اجرای احکام آن و امر به معروف و نهی از منکر، نصب العین و برنامه خود قرار دهیم.

(ربنا أفرغ علینا صبراً، و ثبت أقدامنا و أنصرنا علی القوم الکافرین) [۷] = «پروردگارا، بر ما صبر و پایداری ببخش گامهایمان را استوار بدار، و ما را بر قوم کافران یاری عنایت فرما».

پاورقی

[۱] سوره قصص، آیه۵.

[۲] سوره نور، آیه۵۵.

[۳] سوره حج، آیه۴۱.

[۴] سوره قصص، آیه۶.

[۵] سوره محمّد، آیه۷.

[۶] سوره عنکبوت، آیه۶۹.

[۷] سوره بقره، آیه ۲۵۰.

به سوی هدفهای اسلامی

(إن هو إلّا ذکر للعالمین ولتعلمن نبأه بعد حین) [۱] .

: قرآن، کتابی برای جهان و جهانیان است. برای دانستن خبرها و اثرهای شگفت انگیزتر و بزرگتر آن، منتظر آینده باشید.

به سوی هدفهای اسلام

اسلام دینی است که چهارده قرن پیش به وسیله پیامبر بزرگ خدا،

حضرت خاتم الانبیاء صلی الله و علیه و آله و سلم جهانیان به آن دعوت شدند، و شکوهمندترین و نجات بخش ترین نهضتهای تاریخی و جنبشهای مذهبی و انقلابات حقیقی را به وجود آورد.

هدف اسلام، آزاد کردن انسانها، خاتمه دادن به شرک و بت پرستی و فساد و گناه، بر چیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد نمودن و پاکسازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادّی، مبارزه با جهل و نادانی، تصمیم عدالت و امنیت، بهره برداری عموم از نعمتهای الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق، فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادّی و اقتصادی برای همه، و خلاصه: دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه و عدل و رحمت و احسان و علم و ایمان و نور و روشنائی است.

(کتاب أنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور) [۲] = «کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور خارج کنی».

(وما أرسلناك إلاّ رحمه للعالمین) [۳] = «و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

پاورقی

[۱] سوره ص، آیه۸۷ _ ۸۸.

[۲] سوره ابراهیم، آیه۱.

[۳] سوره أنبیاء، آیه۱۰۷.

پیروزی اسلام بر همه ادیان

خدا وعده داده است که اسلام را بر همه ادیان پیروز سازد و این وعده ای است که قوانین خلقت و سنن آفرینش با آن موافق است; و وعده نصرت و غلبه همه جانبه ای است که به انبیاء داده است; چنانکه در سوره صافات آیات۱۷۱ _ ۱۷۳، می فرماید:

(ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین إنهم لهم المنصورون وإن جندنا لهم الغالبون) = «و به

تحقیق سخن ما برای بندگان ما که پیامبرند، پیشی گرفته؛ که همانا ایشان یاری شدگانند، و همانا سپاه ما بر آنها (دشمن) پیروزند».

و در سوره غافر، آیه ۵۱، می فرماید:

(إنا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیاه الدنیا ویوم یقوم الاشهاد) = «همانا ما یاری می دهیم پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که شاهدان (معصومین:) به پا خیزند».

اسلام با چنین هدفها و برنامه های سازنده ای که این هدفها را تأمین کند، شروع به کار کرد و جلو آمد؛ و عالی ترین و پاکترین روش رهبری را به مردم ارائه داد و هدفهای خود را در عقاید، احکام، اخلاق، اقتصاد، اجتماع، دین و دنیا به مردم عرضه داشت.

مردم، شیفته و فریفته نهضت اسلام و برنامه ها و پیشنهادهای آن شدند، از آن استقبال کردند، و آن را ملاک و معیار آزادی شناختند؛ و پس از آن همه ذلّت هائی که در برابر حُکّام و سلاطین خود کامه داشتند، عزّتی را که اسلام به آنها عطا کرد، بزرگ ترین غنیمت شمردند.

فرزندان کارگران و دهقانان و چوپانان، که خود را با فرزندان پادشاهان و امیران برابر دیدند، لغو تقسیمات و درجه بندیهای طبقاتی را که طبقه پائین تر و فرزندانشان را از ترقی و ورود در حریم منطقه طبقه به اصطلاح بالاتر ممنوع می کرد، از جان و دل پذیرفتند و جنگ با اسلام و سپاه مسلمان را جنگ با سعادت و آزادی خود دانستند.

اسلام به زودی جای خود را در دلها باز کرد و دعوتش در عمق وجدان و شعور همه با شور و

شعف بسیار استقبال شد.

هیچ کشوری را مسلمانان فتح نمی کردند مگر بعد از آنکه قلوب مردم آن را بانگ جان بخش توحید و آزادی و برابری اسلام فتح کرده بود.

این نهضت مقدّس با این برنامه های عالی و مایه های ارج دار انسانی باید جهان را فتح کرده و به همه اهدافش رسیده باشد.

چرا چنین نشد؟

و چرا اسلام در نیمه راه ماند و متوقف گشت؟

دستگاه رهبری آن، به زودی به دست افرادی جاهل و استثمارگر و عیاش و هرزه افتاد که مسیر واقعی اسلام و جهان اسلام را تغییر دادند و همان مظاهر و اوضاع و رژیمهائی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود، به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم تحاد اسلام، دوباره زنده کردند.

اسلام آمد تا بشریت را از بشر پرستی نجات دهد، تا کاخهائی را که اکاسره و قیاصره (کسری و قیصرها) از عصب حقوق و اموال و ظلم بر زیر دستان بنا نهاده بودند، ویران سازد; و فاصله ای را که میان زمامداران و افراد عادی بود از میان بردارد و انسانهای ناآگاه، خفته، و ناآشنا به حقوق خود را بیدار و آگاه نماید، و از مداین و رُم و پایتخت های ستمگران زمان، مدینه بی تجمّل، بی دستگاه، بی کاخ و قصر، و نزدیک به همه و با همه، بسازد. اسلام بود که رهبر دوّمش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

«ألا و ان امامکم قد اکتفی من دنیاه بطمرته، و من طعمه بقرصه [۱]

= هان! که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه، و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا نموده است».

وهم او می فرمود:

والله لو أعطیت الاقالیم السبعه بما تحت أفلاکها علی أن أعصی الله فی نمله أسلبها جلب شعیره ما فعلته [۲] = به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمانهای آنها است به من دهند که خدا را نافرمانی کنم، در گرفتن برگ جوی از مورچه ای، چنین نخواهم کرد».

و هم از او روایت است که: هر کس بخواهد نظر کند به شخصی از اهل جهنم، نظر کند به شخصی که نشسته است و در اطراف او دیگران به عنوان احترام ایستاده اند.

ولی غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گرائیده و همان اساس گذشته را که اسلام با آن مبارزه دارد، داغ تر و ظالمانه تر تجدید کرده، همان عیاشها، همان هرزگیها، و همان کاخها و قصور را از نو بنیاد کردند. مدینه پیغمبر و کوفه علی را کنار گذارند، و بغداد، دمشق، غرناطه، قرطبه، اسلامبول، قاهره، آکره و نقاط دیگر را که در استعباد بشر و صرف میلیونها دست رنج مردمان ضعیف و عقب مانده، کمتر از مداین و رم نبود، به دنیا نشان دادند; و در واقع، روش و رژیم ضعیف ضد اسلامی آنها که به اسم اسلام روی کار می آمدند، اسلام را از فتح قلوب و از رسیدن به هدفهایش مانع شد.

هر کس تاریخ و سرگذشت دستگاههای جبّار بنی امیه، بنی عبّاس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و

حاکم مسلمان، در هند، ما وراء النهر و ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا و آفریقا و اروپا، مسلط شدند بخواند، می فهمد چه وضع بسیار ناامید کننده ای جلو آمد که هدفهای واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود.

پاورقی

[۱] نهج البلاغه فیض الاسلام، ص۹۶۶.

[۲] نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه۲۱۵ ص۷۱۴.

انتظار عامل پایداری در برابر رهبریهای فاسد

یگانه یا مهمترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی، شجاع و دلیر می کرد، و عده های قرآن و پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم بود که: این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالم گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز خواهد آمد.

این وعده ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی امیه، جنگهای صلیبی، هجوم چنگیز و بالاخره مثل استعمار قرن اخیر، پایدار و شکیبا نگه داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

این وعده ها که واقعیت آن را حقایق مسلّم دینی و تاریخی صد در صد ثابت کرده است و در کتاب «نوید امن و امان» دلائل قطعی آن را نگاشته ایم، همواره به مسلمانان نوید می داد که دور اسلام و روزگار آن به پایان نمی رسد و حکومتهائی مانند بنی امیه و بنی عبّاس، مظهر کمال و پیشرفت و نمایش رژیم سیاسی و روش رهبری حق و عدالت اسلام نیستند و باید در انتظار آینده بود و

عقب نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر طلائی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد؛ و موعود آخر الزمان که از دودمان پیغمبر اسلام و فرزندان علی و فاطمه، و نهمین فرزند سیدالشهدا حسین و یگانه فرزند بی مانند حضرت امام حسن عسکری: است ظاهر شود و تمام برنامه های اسلام اجرا گردد. دنیا از این همه اضطرابات روز افزون، ناامنیها، افکار متضاد و رژیمهای رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتحاد قرار بگیرد.

مسلمان همیشه به سوی آینده می نگرد و هر وضعی که موجود باشد اگر چه نسبتاً خوب و عادلانه باشد او را قانع نمی کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی شمارد؛ و اگر هم ظالمانه و غیر اسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خود کامگی و استضعاف را محکوم سازد و برای حصول هدفهای اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع بشر و جوامع متحیر و سرگردان و مضطرب، خدمتی انجام دهد. و نشستن و تسلیم بودن و کناره گیری کردن و تماشاگر صحنه های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست؛ و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر ـ أرواح العالمین له الفداء ـ و فلسفه انتظار موافقت ندارد.

(و قل اعملوا فسیری الله عملکم

و رسوله والمؤمنون) = «و بگو عمل کنید، پس به زودی خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را خواهند دید». [۱] .

پاورقی

[۱] سوره توبه، آیه۱۰۵.

انتظار و وعده الهی

(قال موسی لقومه استعینوا بالله، واصبروا إنّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین) [۱] = «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبائی کنید; به تحقیق که زمین از آن خدا است، به هر کس از بندگانش بخواهد، منتقل می فرماید; و حسن عاقبت از برای پرهیزکاران است».

(وأورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشارق الارض ومغاربها التی بارکنا فیها وتممت کلمه ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا ودمرنا ماکان یصنع فرعون وقومه وما کانوا یعرشون) [۲] = «و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند، خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم. و تمام گردید کلمه (ووعده) نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند; و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند.

مسأله ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلابات علیه نظامهای استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است.

با اینکه می بینیم زورمندان و استضعاف گران، مخالفان رژیم خود را می کوبند، در بند می کنند، به زندان می اندازند، در خاک و خون می کشند، باز هم استضعاف شدگان به پا می خیزند و مسیر تاریخ را عوض می کنند; باز هم سیاه پوست آمریکائی و آفریقائی قیام می کند و حقوق خود را می طلبد; باز هم اندونزی و

الجزایر، استعمار را طرد می کنند و آن را بیرون می رانند و به حیاتش خاتمه می دهند.

فلسطینی های آواره و از خانه و وطن رانده شده، می کوشند تا روز اسرائیل و رژیم فاسد نژاد پرست صهیونیسم را ــ با اینکه قدرتهای بزرگ دنیا پشت سرش و بلکه در کنارش، و بلکه پیش رویش ایستاده اند و از او دفاع می کنند ــ سیاه نمایند، و او را از اراضی مقدّسه و سرزمین هائی که غصب کرده بیرون برانند.

مسلمانان و بویژه شیعیان در طول تاریخ، علی رغم همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده مستمراً به تلاش خود ادامه داده اند.

مسأله این است که اگر چه ما جهان و وضع جهان را در مسیر هوی و هوس و آرزوهای زیر دستان و اقویا و طبقه حاکمه، و علیه ضعیفان و زیر دستان و طبقه محکوم و محروم و مظلوم ببینیم؛ اگر چه جریان دنیا را به کام طبقه ای که در عیاشی، هرزگی، هوسرانی، شهوات و تجملات غرق شده و لوکس ترین زندگیها را دارند، مشاهده نمائیم؛ و اگر چه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی، گرفتار بیماریهای گوناگون و محروم از حد اقل زندگی یک انسان ــ بلکه یک حیوان که صاحب با انصاف داشته باشد ــ باشند و وحشیانه ترین قدرتها، ملتها و جامعه ها را در زیر ضربه های ظلم و تجاوز پامال کنند.

مع ذلک تاریخ بر مبنای سنتهای الهی و وعده خدائی، سرانجام به نقطه ای می رود که به نفع طبقه

محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است; به سوئی می رود که در آنجا همه نسبت به حقوق متساوی حق، برابر و مساوی و یک شکل و یک رنگ گردند و تمام رنگها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسانها فقط بر اساس تقوا باشد.

ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند، که هر چه قوی و شناگر باشد، سرانجام شکست می خورد و سیل او را به پیش رانده، و خواه و ناخواه در مسیر واقعی و جهت موافق سیل قرار می گیرد، یا نابود و معدوم می شود.

کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می کنند، اگر فاقد تمام وسائل هم باشند، بهترین و ینرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارند و قطعاً در مبارزه نهایی پیروزی با آنها است.

پاورقی

[۱] سوره اعراف، آیه۱۲۸.

[۲] سوره اعراف، آیه۱۳۷.

آینده جهان در کلام الهی

این گونه اعتقاد به سنت الهی ـ اگر چه از آن، گاهی بطور صحیح بهره برداری نمی شود و انقلابی نماها هم آن را وسیله قرار می دهند ـ اصل است و حقیقت; و در زبان قرآن کریم و احادیث شریفه به تعبیرات وافی و صحیح تر و الفاظ کافی تر شرح و بیان شده است; که از جمله این آیات، واقعی ترین تعبیرات و شرح و تفسیر این مسأله است:

(قال موسی لقومه استعینوا بالله...) [۱] = «موسی به قوم خود گفت از خدا یاری خواهید...».

(وأورثنا القوم الذین كانوا یستضعفون...)

[۲] = «و ما قومی را که به استضعاف کشیده شده بودند وارثان (مشرق و مغرب زمین) گردانیدیم».

(بل نقـذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق) [۳] = «بلکه حق را بـا شـدت بر باطل افکنیم; پس حق، باطل را در هم می شکند، آنگاه از میان می رود».

(یریـدون لیطفؤا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون) [۴] = «می خواهنـد نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند و خدا تمام کننده نور خویش است، هر چند کافران را خوش نیاید».

موضوع انتظار حضـرت صاحب الامر ـ عجل الله تعالی فرجه ـ و ایمان به ظهور مهـدی موعود مبنای این وعده الهی است و با سنت الهی و آنچه در کتب آسمانی ثبت شده، کاملاً مطابق است.

در قرآن مجید می فرماید:

(ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون) [۵] = «و همانا در زبور، پس از ذکر ـ تورات نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

شیعه و تمام مسـلمانان بر اساس این عقیـده سازنده و تحول آور، ایمان دارند که تاریخ در مسـیر عدالت و به سوی عدالت جلو می رود و توقف نمی کنـد و زمین را بندگان صالح و شایسـته خدا به ارث می برند. و سـرانجام حق در همه جا حاکم و پیروز می شود; و این سنت خدا و قانون خدا و خواست او است که می فرماید:

(و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض...) [۶] =«یعنی ما خواسته ایم که منت گذاریم بر آنان که در زمین استضعاف شده اند...».

خدا چنین اراده

کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار سازد و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده اند بکوبد و مغلوب نماید.

این ایمان، جزء عقاید شیعه و بلکه هر مسلمان است که به هر نحو و هر طور که اوضاع به نفع ستمگران و فرعونیان استعباد پیشه قرار بگیرد، عاقبت با انقلاب مستضعفان شایسته و پرهیزکاران مجاهد، نظم و عدالت، حاکم و برقرار می شود.

این عقیده از نظر اجتماعی، بسیار مهّم و انقلابی و مترقّی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت، تشویق می کند و از سستی و ترک وظایف، و تسلیم زبونی و ذلیل شدن، باز می دارد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها ـ وتلا عقیب ذلک: ـ ونرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم أئمه ونجعلهم الوارثین» [۷] .

مضمون این سخنان امید بخش و مژده دهنده این است:

این دنیائی که مانند مرکبی چموش و سرکش، از سواری دادن به صاحب خودش خودداری می کند و با ما خاندان پیامبر ناسازگاری پیشه کرده و بر ما سخت و تنگ گرفته است; و حزب خدا و اهل بیت و خاندان رسالت و شیعیانشان را در فشار ظلم و استبداد غاصبان و مرتجعان گذارده، و آنان را از حقوقشان محروم، و گرفتار شکنجه و زندان، و قطع دست و پا و گوش و بینی، و کشته شدن ساخته است; بعد از این همه ناسازگاریها و ظلم و جور و غصب حقوق، البته

و حتماً ــ مانند شتر بد خو و گزنده ای که به بچه اش مهربان و مایل می شود، به ما مایل گردیده و رام اهل حق و شایستگان و مستضعفان خواهد شد. چون خدا در قرآن خبر داده است، خواستش این است که بر آن کسان که در زمین مورد استضعاف قرار گرفته اند منت گذارد، و آنان را امامان و پیشوایان و وارثان زمین فرماید.

معلوم است در هنگامی که ابرهای مأیوس کننده فتنه های بزرگ، و تسلط غاصبان زمامداری و مقام رهبری جامعه اسلامی بر سر مردم و اهل حق، باران بلا و ناامیدی می باریده است، با این کلمات امیدوار کننده و انتظار بخش، علی علیه السلام دلهای مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفری که حزب خدا و حامیان حق در جلو دارند نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق فرموده است.

این کلام در عین حال که خبری از آینده و غیب، و پیشگوئی قاطع است، همین مسأله سنت خدا (یا به زبان دیگر، وعده الهی) را که علی علیه السلام از آن آگاهی کامل داشته است، اعلام می کند.

آری، ولی خدا و کسی که مصداق (و من عنده علم الکتاب) [۸] است، به سنن الهی عالم و واقف است و از خواست خدا و نظامات و قواعدی که در جهان ماده و مجردات قرار داده، به اذن خدا و به تعلیم او با اطلاع است.

علاوه بر این آیه کریمه، در سوره قصص در ضمن داستان استعلا و گردنکشی فرعون،

این خواست و سنت خدا را صریحاً بیان فرموده است؛ چون معلوم است که این سنت الهی فقط در مورد موسی و فرعون نیست بلکه سنت عام الیه است و در مورد هر گروه مستضعف و مؤمن، و شخص یا دسته استضعاف گر در هر عصر و زمانی صادق است؛ اگر چه مصادیق آن، همه در یک ردیف نباشند و صدق این آیه و تطبیق آن و ظهور این سنت و قاعده، بر موردی ظاهرتر و آشکارتر از موارد دیگر می باشد.

و لذا علی علیه السلام بعد از اینکه خبر از یک تحّول بزرگ و انقلاب جهانی به نفع حزب حق و پیروان مکتب ولایت می دهد، این آیه را نیز تلاوت می فرماید؛ چون چنانکه گفته شد، مفهوم آیه، اختصاص به عصر موسی و فرعون ندارد و عام و کلی است [۹] و ظاهرترین مصداق این آیه در تاریخ همان انقلابی است که به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمد ـ عجل الله تعالی فرجه ـ بر پا می شود. انقلابی که حتماً واقع خواهد شد و خواست خدا و سنت الهی است.

(ولن تجد لسنه الله تبدیلاً، ولن تجد لسنّه الله تحویلاً) [۱۰] = «و هرگز در سنت خدا، تبدیل و تحویلی نخواهی یافت».

بنا بر آنچه بیان شد، معلوم می شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی فکر و اندیشه را چگونه آینده گرا می سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که

کامل تر و صحیح تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است، آشنا می نماید.

پاورقی

[۱] سوره اعراف، آیه۱۲۸.

[۲] سوره اعراف، آیه۱۳۷.

[۳] سوره انبیاء، آیه۲۱.

[۴] سوره صف، آیه۸.

[۵] سوره انبیاء، آیه۱۰۵.

[۶] سوره قصص، آیه۵.

[۷] نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار، (۲۰۰).

[۸] سوره رعد، آیه۴۳.

[۹] از عالی ترین بیانات راجع به این سنت و وعده الهی و فلسفه تاریخ، بیانات حضرت زینب ۳ است که در خطبه تاریخی و بی نظیر که در مجلس یزید انشا فرمود، تذکر داد.در این مجلس که با برنامه و تشریفات بسیار جبارانه و مستکبرانه ترتیب یافته و وحشت و رعب آن، دل افراد عادی را می لرزاند و توانائی سخن گفتن را از آنها می گرفت، ابراز مخالفت و توبیخ و سرزنش و تحقیر یزید و اعلان رسمی محکومیت و انقراض حکومت او که خطر اعدام فوری داشت، از جانب یک نفر خانم اسیر و داغ دیده و مصیبت دیده، از معجزات بود.

چنانکه آن بلاغت و از قرآن مجید الهام گرفتن، سنجیده و به سامان گفتن، یزید و چاپلوسان درباری و مزدوران خود فروخته دستگاه را تحت تأثیر قرار دادن، کرامت و حقانیت اسلام و اهل بیت را اثبات نمودن، ستمگران و مستبدان را حقیر و پست شمردن، آن پیشگوئیها و خبر از آینده دادن و متلاشی شدن نظام یزیدی گفتن که هر جامعه شناس و روانشناس را مات و متحیر می سازد، از معجزات است. اگر کسی در این اعجاز تردید دارد، به او پیشنهاد می کنیم و از تمام بلغا و سخنوران ماهر می خواهیم که از این خطبه

تاریخی و سخنان عقیله قریش، خطبه ای کوبنده تر، قاطع تر، محکوم کننده تر و مناسب تر با آن مجلس و موقف انشا نمایند.

الحق این خطبه از نشانه های درخشان جلالت، حقیقت، فضیلت و عظمت اهل بیت رسالت است، و از خدا می خواهم که شرحی بر این خطبه بنگارم و به افتخار خدمتی به آن حضرت سرافراز گردم.

در این خطبه قانون و سنت و وعده تخلف ناپذیر الهی (و به اصطلاح بعضی، فلسفه تاریخ) را زینب مطرح ساخته و در موقعی که به حسب ظاهر همه چیز تمام شده و بسیاری مأیوس و ناامید و تسلیم وضع حاکم می شوند و یزید بر اوضاع مسلط گردیده، در نهایت استبداد و استعباد سلطنت می نماید، طرفداران حق و حزب حق و شیعیان اهل بیت را از یأس و ناامیدی نجات می دهد و اهل بیت و هدفها و مقاصدشان را فاتح و پیروز، و بنی امیه و حزب استعبادگر را مغلوب و شکست خورده معرفی می فرماید و اعلام می کند که از کرامت اهل حق چیزی کم نشد و بر اهل باطل چیزی افزوده نگشت و هر چه یزید کوشش و تلاش کند و اهل حق را بکشد و از میان بردارد و بر کید و کینه و ستمگری بیفزاید، نمی تواند ارتجاع و ارتداد جاهلیت را تجدید کند و از پیشرفت انقلاب اسلام جلوگیری نماید و نور خدا را خاموش سازد. آری، زینب به آینده درخشان اسلام و اهل بیت و آثار نجات بخش انقلاب برادرش حسین علیه السلام صد در صد اطمینان داشت و می دانست راهی را که برادرش

رفته است راه خدا، راه حق و راه تاریخ است.

در کربلا- روز یازدهم محرم، در آن هنگامی که او را به اسارت عازم کوفه کرده بودند و ابدان پاک شهدای راه حق روی زمین افتاده بود، همین خبر را می داد و آینده را می دید.

در مجلس یزید نیز با همین منطق محکم، مجلس را قبضه کرد و یزید را چنان کوبید و در آن دادگاه تاریخ، چنان محکوم کرد که یزید نتوانست یک کلمه از خود دفاع نماید، یا آنکه غیظ و خشم خود را با تصمیم جنایت دیگر فرو بنشاند.

اینک این قسمتی از خطبه را که خطاب به یزید است بخوانید و در معنی انتظار، تأمل فرمائید:

ثم کد کیدک واجهد جهدک فوالله الذی شرفنا بالوحی والکتاب والنبوه والانتخاب لاتدرک أمدنا ولا تبلغ غایتنا ولا تمحو ذکرنا ولا یرخص عنک عارنا = پس تمام مکر و حیله ات را بکار گیر و تمام کوششت را انجام ده، که قسم به خدائی که ما را مشرف به وحی و کتاب و نبوت و انتخاب نمود هرگز نمی توانی عمق و نهایت ما را درک کنی و ذکر و یاد ما را محو نمایی، و آن عاری که بر ما وارد نمودی از تو زدوده نخواهد شد. (احتجاج طبرسی، چاپ بیروت، ص۳۰۹).

و به این قاعده الهی و قانون تاریخ، شخص امام علیه السلام نیز در ضمن جریان نهضت کربلا مکرر تصریح فرمود، که شرح و تفصیل آن از حدود این مقاله مختصر خارج است.

[۱۰] سوره فاطر، آیه۴۳.

انتظار عامل مبارزه با فساد و انحراف

(یاأیها الذین آمنوا إن تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی أعقابکم فتنقلبوا خاسرین

بل الله مولاکم وهو خیر الناصرین) [۱] = «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کفار فرمان ببرید، شما را به عقب (کفر و جاهلیت) بر می گردانند، پس شما زیانکار می گردید; بلکه خداوند مولی و صاحب اختیار شما است و او بهترین یاری کنندگان است».

(انّ الذین ارتدوا علی أدبارهم من بعد ما تبین لهم الهدی الشیطان سوّل لهم وأملی لهم) [۲] = «به درستی آنان که به عقب برگشتند (مرتجع شدند) بعد از آنکه هدایت بر ایشان آشکار گشت، شیطان این کار (ارتجاع) را بر ایشان بیار است، و خدا آنها را (برای امتحان و اتمام حجّت) مهلت داد».

«الائمه بعدی إثنا عشر تسعه من صلب الحسین والتاسع مهدیهم» [۳] .

پیامبر اعظم صلی الله و علیه و آله و سلم فرمود:

امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و نهمین آنها مهدی است.

قال رسول الله صلی الله و علیه و آله و سلم:

«لو لم یبق من الدهر الا یوم، لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً» [۴] .

رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم فرمود:

اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خدا بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پرکند، همچنان که از ستم پر شده باشد.

انتظار عامل مبارزه با فساد و انحراف

مسلمانان عموماً و شیعه اثنی عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی را می کشند که انقلاب اسلام را جهانگیر، حق و عدالت را پیروز، بشر را از تضادهای گوناگون،

استثمار، استعباد، استعمار و از وقوف و توقف نجات دهد و به سوی جلو پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رایج نماید.

این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی است که پیغمبر عالی مقام اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم در صدها حدیث آنها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

اصل انتظار به صورتهای گوناگون در بین ملل مختلف همواره محفوظ بوده و آینده نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنن عالم خلقت است.

پاورقی

[۱] سوره آل عمران، آیه۱۴۹ _ ۱۵۰.

[۲] سوره محمد، آیه۲۵.

[۳] منتخب الاثر، ف۱، ب۷، ح۲، ۱۰۶ حدیث دیگر به این مضمون.

[۴] منتخب الاثر، ف۲، ب۱، ح۴.

حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی

قرآن مجید با بیانی محکم در آیات متعدد، به عقب برگشتن را محکوم فرموده است.

در غزوه تاریخی اُحُد که مسلمانان آزمایش شدند، امیرالمومنین علی علیه السلام فداکاریها کرد و پرچمداران و دلیران نامی مشرکان را کشت; و جبرئیل مواسات بی نظیرش را با پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم ستود و به پیغمبر گفت: «هذه المواساه» پیغمبر در جواب فرمود: «انه منی وأنا منه = او از من است و من از اویم». جبرئیل گفت: «وأنا منکما = من نیز از شما هستم» و ندا در داد: «لا سیف إلا ذو الفقار ولا فتی الا علی».

در این غزوه وقتی پاسداران درّه ای که کمینگاه بود

و پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم آنان را به پاسداری آنجا مأمور فرموده بود، هزیمت و شکست کفار را در اثر مجاهدات علی علیه السلام دیدند، سنگر خویش را رها کردند و خالد بن ولید با گروهش که در آنجا کمین کرده بود از همانجا به مسلمانان حملهور شدند و تنی چند از پاسداران و فرماندهشان عبدالله بن جبیر را به شهادت رساندند. چهره جنگ به نفع مشرکان تغییر کرده و گروهی از مسلمانان کشته شدند و دیگران فرار کردند; غیر از علی بن ابی طالب و بر حسب بعضی از نقلها دو نفر دیگر هم که در نام آنها اختلاف است، کسی با پیغمبر ثابت نماند و راه فرار پیش گرفتند; و بعضی که شنیدند پیغمبر کشته شده است، در مقام ارتجاع و ارتداد و امان گرفتن از کفار برآمدند.

و از جمله فراریان، ابوبکر و عمر و عثمان بودند; و عثمان به قدری در فرار و پشت کردن به جهاد و دفاع از اسلام و پیغمبر، از میدان جنگ دور شده بود که سه روز بعد برگشت!

نظر به این سستی ها و تصمیم بعضی دیگر بر بازگشت به عصر جاهلیت و ارتداد، آیات متعددی در نکوهش و سرزنش آنان و حرمت ارتجاع و وجوب ثبات قدم و استقامت نازل شد که از جمله این آیه بود:

(وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم، ومن ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً، وسیجزی الله الشاکرین) [۱] = «و نیست محمد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده

انـد; آیا پس اگر (او) مرد، یا کشـته شد، به عقب برمی گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، هرگز به خدا زیانی نمی رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می دهد».

این آیه با کمال صراحت دستور می دهد حتی با رحلت یا کشته شدن پیغمبر ــ که بزرگترین ضربت بر روح طرفداران انقلاب اسـلامی و الهی اسـلام است ــ انقلاب اسـلام نباید توقف کند و باید در مسـیر خود پیشـرفت نماید و باید مسـلمانان دنبال این انقلاب را بگیرند و به عقب برنگردند.

وقتی رحلت رسول خـدا نبایـد این عکس العمل را داشـته باشـد که کسـی به فکر ارتـداد و بازگشت به عقب و رژیمهای دوره های جاهلیت و پـذیرش برنامه های غیر اسـلامی بیفتـد، معلوم است که مسـلمان از هیـچ حادثه و فاجعه دیگر، هر چه سـخت و جانکاه باشـد و هر چه زیان مالی و مادی و جانی داشـته باشـد، به ارتداد و عقبگرد، و قبول برنامه ها و نظامهای کافر مایل نمی شود و از کوشش برای پیش رفتن، ترقی و جهانی شدن انقلاب اسلام، چشم برنمی دارد.

انتظار مصلح آخر الزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی ترین فلسفه اجتماعی است.

مسـلمانان عقیده دارند که انقلاب اسـلام، جهانگیر و پیروز می شود و عالم از این نابسامانیهای مدنیت منهای شـرف و انسانیت نجات پیدا می کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقبگرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.

اگر چه دنیای مادی امروز به ظاهر رو به جاهلیت گذارده و اهداف عالی انسانی و

حقیقت و فضیلت و ما به الامتیاز بشر از حیوان، در بسیاری از جوامع فراموش شده، و طغیان و ظلم و بیدادگری و تجاوز و زور و استبداد و قلدری و استثمار و شهوترانی و نابکاری و خیانت و ناامنی به صورتها و جلوه های نو در جهان رایج شده و روز به روز رایج تر می شود؛ و اگر چه الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات، برادری، همکاری، تعاون و بشر دوستی را در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار می برند؛ و اگر چه فاصله بین زورمندان و فرماندهان و زیردستان و فرمانبران هر روز زیادتر و رابطه آنها با یکدیگر به رابطه دو انسان برابر هیچ شباهت ندارد؛ ولی این توحّش تا هر کجا برود، تا دو هزار و پانصد سال، تا سه هزار سال، و پنج هزار سال بیشتر هم به عقب برگردد، چون خلاف خواستهای واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه کن خواهد شد.

این جاهلی مسلکی هر چه نیرو بگیرد و از هر حلقومی برایش تبلیغ شود، و هر چند که آموزش و فرهنگ را با زور قوای انتظامی با آن همگام و همراه سازند، عاقبت در برابر منطق آسمانی، قرآن که می فرماید:

(تعالوا الی کلمه سواء بیننا وبینکم أن لا نعبد إلاّ الله، ولا نشرک به شیئاً، ولا یتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله) [۲] = «بیاید به سوی کلمه و عقیده یکسان و مشترکی بین ما و شما، که نپرستیم مگر خدا را و

به او شرک نیاوریم و هیچ کدام از هم دیگر را غیر از خدا رب خود نگیریم». و در برابر آیه:

(إنـا خلقناکم من ذکر واُنثی وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنّ أکرمکم عنـد الله أتقاکم) [۳] = «ما شـما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شـما را در قبایل و ملتهای مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسـید، البته گرامی ترین شما نزد خدا، متقی ترین شما است».

و در مقابل منطق وحی:

(ولقد أرسلنا فی فی کل اُمه رسولاً ان اعبدوا واجتنبوا الطاغوت) [۴] = «و ما در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید».

و آیات بسیار دیگر شکست می خورد، و زبان و بلندگوهایش خاموش و قلم نویسندگانش می شکند.

فسـاد، فحشـا، نابکـاری جوانان و بانوان، وضع بسـیار ننگین و پر از آلودگی های زن در شـرق و غرب جهان امروز و خیانت و جنایت، هر چه جلو برود; و هر چه نیروهای مادّی، این فسادها را تهییـج کنـد و آن را برای منافع پلیـد اسـتثماری یا اسـتعماری گسترش دهد، جنبش و انقلاب را علیه این مفاسد، کوبنده تر و ضربت آن را بر کاخهای فساد و طغیان، کاری تر می سازد.

پاورقی

[۱] سوره آل عمران، آیه۱۴۴.

[۲] سوره آل عمران، آیه۶۴.

[۳] سوره حجرات، آیه۱۳.

[۴] سوره نحل، آیه۳۶.

مقاومت در برابر بازگشت به جاهلیت

مسلمانی که با چنین فکر و عقیده آینده گرا زندگی می کند، هرگز با گروههای فاسد و مشرک و خدانشناس همراه نمی شود و تا می تواند تقدّم و نوگرائی و آینده بینی خود را حفظ کرده، ثابت و استوار به

سوی هدف پیش می رود.

او اطمینـان دارد و به یقین می دانـد که بساط ظلم و فساد برچیـده شـدنی است، چون بر جامعه و بر فطرت بشـر تحمیل است و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است:

(ان الارض لله یورثهـا من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین) [۱] = «همانـا زمیـن از آن خـدا است و به هر کس از بنـدگانش که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت از آن متقین است».

بنابراین مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه و هم صدا نخواهد شد.

این اصل انتظار ماننـد یک قوّه مبقیه و عامل بقا و پایـداری، طرفـداران حق و عـدالت و اسـلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دسـتگاههای فشار، اسـتعباد، جهل و شرک، بشر پرستی و فساد انگیزی پایدار نگه می دارد و همواره بر روشنی چراغ امیداوری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می دهد.

این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل صـفوف طرفداران حق را فشـرده تر و مقاوم تر می کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نوید بخش قرآن آشنا می دارد:

(قل انتظروا إنا منتظرون) [۲] = «بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم».

(فتربصوا إنا معکم متربصون) [۳] = «منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم».

(فانتظروا إنی معکم من المنتظرین) [۴] = «منتظر باشید که من هم با شما منتظرم».

خاص و

عام، و شیعه و سنی، از رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم روایت کرده اند که فرمود:

«لولم یبق من الدنیا إلاّ یوم واحد لطوّل الله ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی یواطی اسمه اسمی، وکنیته کنیتی یملا الارض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً = یعنی اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند متعال آن روز را طولانی فرماید تا بیرون آید مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من باشد، زمین را پر از عدل و قسط کند، همچنانکه از جور و ظلم پر شده باشد».

این انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عذر کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد; و سکوت و بی حرکتی و بی تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی توان توجیه کرد.

این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است; مکتب زنده و سازنده اسلام و محمد علی و زهرا و حسن و حسین و زین العابدین و جعفر بن محمد و تمام ائمه: و اصحاب و یاران خاص و پیروان آنها است. اگر نادانان یا مغرضان آن را بطور دیگر تفسیر کرده و آن را مکتب کنار رفته ها و کنار گذاشته شده ها، بیچاره ها، مأیوسان، تن به خواری دادگان، چاپلوسان و دین فروشان، معرفی کنند، خود در ردیف یهود که مصداق (یحرفون الکلم عن مواضعه) [۵] می باشند، قرار

داده اند.

(یاأیها الرسول لا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر من الذین قالوا آمنا بأفواههم، ولم تؤمن قلوبهم، ومن الذین هادوا سمّاعون للکذب سمّاعون لقوم آخرین لم یأتوک یحرّفون الکلم من بعد مواضعه) [۶] = «ای پیامبر، آنان که به زبان گفتند ایمان آوردیم ولی قلبهایشان ایمان نیاورد و به سوی کفر سرعت گرفته اند، تو را ناراحت نکنند و همچنین آن یهودانی که حرفهای تو را تحریف کرده و به دروغ، سخنان فتنه خیز برای قومی که پیش تو نیامده اند، نقل می کنند، اینان سخنان را _ مطابق میل و هوای نفس خود _ از مواضع اصلیش تحریف می کنند».

پاورقی

[۱] سوره اعراف، آیه۱۲۸.

[۲] سوره انعام، آیه۱۵۸.

[۳] سوره توبه، آیه۵۲.

[۴] سوره اعراف، آیه۷۸.

[۵] کلامها و سخنان را از مواضع اصلی خود تحریف و دگرگون می کنند. (سوره نساء، آیه۴۶).

[۶] سوره مائده، آیه۴۱.

ارزش انتظار

(قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من أصحاب الصراط السوی ومن اهتدی) [۱] = «بگو همه منتظرند، پس انتظار بکشید، زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافته اند کیانند».

(و قل للذین لا یؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عاملون، وانتظروا إنا منتظرون) [۲] = «بگو به آنان که ایمان نمی آورند (از راه تهدید) عمل کنید به حال خود، ما هم عمل می کنیم؟ و منتظر باشید، ما هم منتظریم».

قال الصادق علیه السلام:

«إن لنا دوله یجیء الله بها اذا شاء ثم قال: من سرّ أن یکون من أصحاب القائم فلینتظر، ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر» [۳] .

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

البته که برای ما

دولتی است که وقتی خدا خواست آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید کار به پارسائی و اخلاق نیک کند و منتظر باشد.

قال الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام:

«تمتد الغیبه بولی الله عزوجل الثانی عشر من أوصیاء رسول الله صلی الله و علیه و آله و سلم والائمه بعده. إن أهل زمان غیبته القائلین بامامته، والمنتظرین لظهوره أفضل من أهل کل زمان» [۴] .

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی پیغمبر خدا و امامان بعد از پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم امتداد پیدا می کند. اهل زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت و منتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند.

قال رسول الله صلی الله و علیه و آله و سلم:

«أفضل العباده انتظار الفرج» [۵] .

رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم فرمود:

برترین عبادت، انتظار فرج (و پایان نابسامانیها و دشواریها و بی عدالتی ها و ظهور دولت حقه حضرت مهدی علیه السلام و برقراری مطلق نظام اسلامی) است.

ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است; و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی هدف و بی مقصد می شود.

حرکت و انتظار در کنار هم می باشند و از هم جدا نمی شوند; انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدّس تر و عالی

تر باشد، انتظارش نیز ارزنده تر و مقدّس تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال شود و رتبه ای بگیرد و حقوق و جیره اش زیاد شود.

یکی دیگر انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه و مدرکی پیدا کند و به وسیله آن کار و شغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعش روبراه شود، تا خانواده تشکیل دهد و همسری اختیار کند و از تجرد و تنهائی خود را خلاص سازد.

دیگری منتظر است درآمدش بیشتر شود، خانه شخصی، ماشین سواری و... خریداری کند; یا اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان یا مسجد یا مدرسه، یا کتابخانه و دار العلمی تأسیس کند.

یک نفر انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود.

خلاصه همه منتظرند; کاسب، منتظر; کشاورز، منتظر; کنتراتچی، منتظر، باغ دار، منتظر; صنعتگر، منتظر; پدر، مادر و معلم همه منتظرند; بلکه ملتها و جامعه ها و حکومتها همه منتظرند.

رژیمهای سرمایه داری انتظار دارند که قدرتشان بیشتر گسترش یابد و دنیا را شدیدتر به زیر یوغ بی رحم استثمار خود بکشند و خون ضعفا را بمکند.

رژیمهای کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه جا را زیر چتر خود بگیرد، و شدت فقر و جنگ و اختلاف طبقاتی تحول ایجاد کرده، اوضاع را به نفع آنها عوض کند تا کمونیسم، آزادیهای فردی و حرمت انسانی را در کام خود فرو برد و افراد جامعه مانند یک ماشین یا یک مرکز دامداری که وسایل خوراک و فربه شدن و خوردن و چریدن در آن فراهم شده

باشد، منهای انسانیت زیست کنند.

دانشجویان واقعی و محققان منتظرند با نیروی تفکر و اندیشه، مشکلات علمی را حل کرده و هر چه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و داریره معلومات را توسعه دهند.

پزشک با ایمان منتظر است نتیجه معالجات خود را در بیمارش ببیند.

(قل کل متربص فتربصوا) [۶] = «بگو همه منتظرند، پس منتظر باشید».

اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثّر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذت و بی معنی است.

انتظار است که زندگی را لذت بخش و با روح و با معنی می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

یک درخت تا وقتی انتظار می رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می ماند؛ ولی وقتی از میوه دادن و از نمو و ترقی افتاد، آن را قطع می نمایند و به جایش نهالی می نشانند که تا سالها چشم انتظار به رشد و نمو میوه آن بدوزند و آن را پرورش دهند و آبیاری کنند.

پس همه جهان و همه جامعه ها و همه مردم و افراد، تا هستند و در سراشیبی سقوط و انقراض و فنا و مرگ و نیستی وارد نشده اند، منتظرند و باید منتظر باشند.

پاورقی

[۱] سوره طه، آیه۱۳۵.

[۲] سوره هود، آیه۱۲۱.

[۳] منتخب الاثر، ف۱۰، ب۲، ح۹.

[۴] منتخب الاثر، ف۲، ب۲۴، ح۱.

[۵] منتخب الاثر، ف۱۰، ب۲، ح۱۶.

[۶] سوره طه، آیه ۱۳۵.

اسلام و انتظار

اسلام که تعلیمات و هدایتهایش بر اساس فلسفه های عمیق

و صـحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه بـه سوی آینـده را، پشـتوانه بقـای جامعه ای مسلمان و محرک احساسـات و مهیـج روح فعـالیت و اقـدام قرار داده است; و انتظـار آینـده بهتر، و عصـر فتـح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رهبر عظیم الشأن آن در حدیث شـریف: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج [۱] = برترین کارهای امّتم انتظار فرج است»، انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.

آن هنگـام کـه پیغمـبر بزرگ اسـلام صـلی الله و علیه و آله و سـلم در حـالی که غیر از علی علیه السـلام و عمـوی بزرگـوارش ابوطـالب، از مردهـا یـار و یـاور دیگر نـداشت و مردم را به خـدا و دین توحیـد دعوت می فرمود; آن هنگام که دست یافتن بر خزائن کسری و قیصر، آن هم برای مردمی محروم و مستضعف، جزء محالات عادی محسوب می شد; و در آن هنگامی که به جای همکاری و قبول آن دعوت نجات بخش و آزاد ساز توحیدی، از مردم دشـنام و ناسـزا و اهانت می شـنید و رنج و آزار و اذیت می دیـد، مردم را به آینـده درخشان این امت نویـد می داد و وعـده می داد که کلمه توحید را بگوئید تا رسـتگار شوید: «قولوا لا ـ اله إلا الله تفلحوا» تا عرب خاضع شـما گردد و عجم به شـما جزیه بدهـد. سوگنـد یاد می کرد که گنجهای کسـری و قیصر در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

و پیروانش با سرمایه و اسلحه انتظار رو به سوی آینده و قدم به پیش قرار داده بود. و در

برابر سـیل مخالفت ها و شـیطنت ها، قطع ارتباط ها و محاصـره ها، شـکنجه ها و آزارهای بدنی مسلح، به مقاومت و ایستادگی حتی تا ترک مال و خانه و شـهر و مسـکن در راه اسلام و هدفهای توحید آن، تشویق می کرد و از پیروزی حق و مغلوب شدن باطل سخن می راند.

این انتظار و ایمان به این وعده های الهی بود که مسلمانان را در میدانها فاتح و جانباز و فداکار کرد.

مسلمانان در انتظار این روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ و پر از مصیبت را پشت سر گذاشته و جلو رفتند.

قرآن مجید در آیات متعدّدی مسـلمانان را به انتظار آینده گذارده و آینده بهتر را به این امت نوید داده است و آینده گرائی را تعلیم می فرماید.

از جملـه در این آیه نویـد می دهـد که هرگـاه خطر ارتجـاع پیش آیـد و از مسـلمانان، افرادی مرتـد و بی دین شونـد و از دین برگردنـد، خدا قوم و گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها خدا را دوست می دارند، نسـبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیر قابل انعطاف می باشند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت و سرزنش ملامت کنندگان بیم ندارند; که آیه۵۴ سوره مائده مشعر بر این مطلب است:

(یاأیهـا الـذین آمنـوا مـن یرتـد منکـم عـن دینه فسـوف یـأتی الله بقـوم یحبهم ویحبـونه أذله علی المـؤمنین أعزه علی الکـافرین یجاهدون فی سبیل الله، ولا یخافون لومه لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم).

در این آیه

که خطر ارتداد و بی دینی و باز گشت به سوی کفر و شرک و فحشا و بشر پرستی و سنن و رسوم باطل شده به وسیله اسلام، شده است قیام گروهی مجاهد را که با ارتجاع مبارزه کنند و آن را سرکوب نمایند، نوید داده; و مسلمانان حقیقی را در برابر این مرض مهلك و خطرناك، با انتظار و اعلام آینده سالم و شکست ارتجاع و پیروزی دوستان خدا، مصونیت بخشیده است.

و آیه: (إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون) [۲] = «همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز آن را حفظ خواهیم کرد».

خبر از حفظ قرآن مجید و رسالت اسلام، و این دین و آئین مقدّس می دهد و مخصوص به یک دوره و عصر نیست و تا ابد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی و تشکیل جامعه جهانی اسلام، این آیه نوید بخش و امیدوار کننده است که در هیچ حال و شرایطی مسلمانان نباید ناامید باشند، بقای این دین بر حسب سنن الهی و وعده های خدا و رسول خدا تضمین شده است.

اگر بازگشت به عقب و ارتداد و رجعت به جاهلیتی پیش بیاید و در بین ملل مسلمان صدای افتخار به دوره های جاهلیت و زنده کردن رسوم پیش از اسلام بلند سود; و اگر به هر شکل و وضع بیگانگان یا افرادی که در شمار مؤمنان بوده و به ارتداد و فساد روی نهاده اند بخواهند پیشرفت و جهانگیر شدن انقلاب الهی اسلام را متوقف کنند، یا از بین ببرند و شعائر اسلام را تعطیل و در فراموشی اندازند قانون خلقت و صدای وجدان

و فطرت و اراده الیه، گروهی مصمّم و با عزیمت را که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست می دارند، برای حمایت این دین و جهانی شدن این انقلاب و روشن نگاهداشتن این چراغ برمی انگیزد.

از هنگام رحلت پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم تا حال، تاریخ اسلام مصادیق و نمونه های بسیاری از آنچه در این آیه پیش بینی شده است نشان می دهد و ارتداد در صورتهای مختلف دعوت اسلام را تهدید کرده و بلکه به ظاهر متوقف ساخت; ولی چنانکه در این آیه خداوند متعال وعده فرموده است، هر مرتبه، ارتداد به وسیله افرادی الهی و مخلص و فداکار سرکوب شده و خطر خاموش شدن صدای دعوت اسلام مرتفع گشت. ارتداد و عقبگردی که پس از رحلت پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سلم [۳] مخصوصاً در امر خلافت و رژیم حکومتی اسلام پیش آمد و منتهی به عثمان ها و معاویه ها و یزیدها، و سائر بنی امیه و بنی عباس و ستمگران دیگر شد و نظام سیاست و حُکم و اداره جامعه اسلامی را به نظام حکومتهای قیصرها و کسری ها برگرداند، ابتدا با مقاومت و مخالفت رسمی افرادی انگشت شمار به رهبری علی و فاطمه زهرا علیهما السلام رو برو شد; و پس از آن اگر چه عقبگرد از دین به مرور زمان گسترش یافت، ولی کسانی که از آن بازگشته و به گروه علی علیه السلام و وفاداران حقیقی انقلاب اسلام ملحق گردیدند زیاد شدند و با قیام مسلمانان انقلاب خواه علیه عثمان، حکومت علی علیه السلام

فرهنگ جاهلی را در یک قدمی نیستی و فنا قرار داد; اما بازمانده و وارث حقیقی جاهلیت (معاویه) در باره پرچم اتداد را برافراشت و از آن به بعد اگر چه جاهلیت ریشه کن نگردید و اسلام تا حال به هدفهای بزرگ خود نرسیده و انقلابش کامل نگشته و در بین راه است و باید منتظر آینده بود تا آن مصلح حقیقی و منظر موعود بیاید و انقلاب اسلام را عالمگیر ساخته و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد; ولی همواره تحت تأثیر همین تعالیم اسلام و برنامه انتظار، مبارزه با ارتداد و جاهلیت جریان داشته و دارد و در صورتهای مختلف از تسلط کامل و تمام عیار جاهلیت جلوگیری شده است که شهادت سیدالشهدا علیه السلام و قیام مقدّس حسینی علیه بنی امیه، کاری ترین ضربتها بر پیکر ارتدادی بود که به وسیله بنی امیه رهبری می شد.

ما در اینجا نمی خواهیم تاریخ این مقاومتها و مبارزه ها را در عصر بنی امیه و بنی عباس و ادوار مختلف شرح دهیم، و از نقش اهل بیت و برنامه ها و تعالیم ائمه طاهرین: که بیشتر به صورت مبارزه منفی بسیار دقیق به حملات خلفاء جور علیه موجودیت اسلام و حقایق و اهداف مقدّس این دین پاسخ داده و مدافعه می نماید، چیزی بگوئیم; ولی باید متذکر شویم که روش مبارزه منفی آنها اکنون هم مؤثرترین روش مبارزه با دشمنان داخلی، منافقان و دشمنان خارجی است و نتایج مهمی نیز داشته است. مثلاً به زندان افتادن امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شدّت، ارکان جاهلیتی را که به وسیله هارون دیکتاتور

با آن همه قـدرت و توسـعه قلمرو حکومت اسـتبدادی نگهـداری می شـد لرزانـد. بیان کامل این مطلب، حد اقل به یک کتاب مفصل نیاز دارد که فعلاً در پی آن نیستیم.

بلکه فقـط می خواهیم متـذکر شویم که انتظـار و مثـل این وعـده هـائی که در این آیه کریمه و آیات دیگر است، یکی از پایه های مهم و زنده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسـلام بوده، که آن را باید سر چشمه مقاومتها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سـلبی اهل حق با اهل باطل شـمرد که مسـلمان هیچگاه کار اسـلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شـده نخواهد دانست و همواره به مضـمون آیه کریمه (یریـدون أن یطفؤا نور الله بـأفواههم ویـأبی الله إلاـ أن یتم نوره ولو کره الکافرون) [۴] تلاشهای دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و گسترش خواهد بود.

پاورقی

[۱] تحف العقول عن الرسول، ص۳۷.

[۲] سوره حجر، آیه۹.

[۳] رسـول اعظم اسـلام صـلی الله و علیه و آله و سـلم بر حسب اخبـار مسـتفیض و بلکه متواتر حوض که در معتـبرترین جوامع حدیث اهل سـنت، مثل صـحیح بخاری و صـحیح مسـلم و موطأ مالک و مسند احمد روایت شده است، خبر داد که گروهی از اصحابش پس از وفات آن حضرت بی دین و مرتد گردیده، بازگشت به عقب و قهقرا می نمایند، و صدق خبر پیغمبر صلی الله و علیه و آله و سـلم ظاهر گشت. هنوز جسـد اطهر پیغمبر صـلی الله و علیه و آله و سـلم دفن نشـده بود که مرتجعان وارد میدان شده، و برنامه هائی را

که پیغمبر در امور ولایت و رهبری امت و لزوم تمسّک به کتاب و عترت اعلام فرموده بود کنار گذارده، و سقیفه بنی ساعده، نخستین مظهر رسمی این ارتجاع گردید; و این همان ارتجاعی است که زهرای مرضیه _ سلام الله علیها _ در آخر خطبه تاریخی در مسجد مدینه آن را محکوم فرمود و از جمله فرمود: «فلما اختار الله لنبیه دار أولیائه، ومأوی أصفیائه ظهرت فیکم حسکه النفاق، وسمل جلباب الدین ونطق کاظم العاوین، ونبغ خامل الاقلّین، وهدر فنیق المبطلین، فخطر فی عرصاتکم، وأطلع الشیطان رأسه من مغرزه هاتفاً بکم، فالفاکم لدعوته مستجیبین... = وقتی خدا جان پیامبر خود را قبض کرد، قومی به عقب برگشته و راه ارتجاع پیش گرفتند و راههای گوناگون، آنها را گمراه کرد، و به بیگانه اعتماد کردند و با غیر رحم پیوند نمودند، و سبب و وسیله ای را که مأمور به مودّت و دوستی آن بودند ترک کردند و بنا را از اساسش کنده و در غیر جایگاه خود بنا نمودند».

و در مکتوبی (نامه ۳۲، صبحی صالح) که به معاویه مرقوم فرموده است پیروانش را که پس از رهبران گذشته این ارتداد، وارث آنان شد نکوهش نموده و می فرماید:

«فجازوا عن وجهتهم، ونکصوا علی أعقابهم، وتولوا علی أدبارهم وعوّلوا علی أحسابهم = کسانی که گرفتار مکر و خدعه معاویه و اضلال او شدند، از راه خدا بر کنار گردیده و به قهقرا برگشته و راه ارتداد و ارتجاع پیش گرفته و به حسبهای پست و بی مایه و الغا شده، اعتماد کردند».

[۴] کافران می خواهند نور خدا را با گفتار جاهلانه خود خاموش

کنند ولی خداوند نمی خواهد مگر آنکه نور خود را به پایان برساند اگر چه کافران کراهت دارند. (سوره توبه، آیه۳۲).

انتظار جامعه تشیع

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فر گیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آئین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است ظاهر کرده و گسترش دهد و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم صدا، هم قدم، و به هم پیوسته سازد.

این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود، چنانکه در روایات به آن اشاره شده است، شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می شد و آن را متلاشی می کرد، پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت; و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.

آن شیعیانی که با آن وضع جانگزای حکومت بنی امیه و بنی عباس رو برو شده بودند که تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها الغا شده و از همه مشاغل محروم، و در همه جا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازاتهای شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه های غیر قابل

تحمل دیگر، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت، و شکست باطل و ستم نداشتند، با اینکه همه چیز را از دست رفته می دیدند، هرگز برایشان حال مقاومت باقی نمی ماند و همه حتی در دل شکست خورده و تسلیم می گشتند و از دگرگون شدن اوضاع، و عوض شدن و ورق خوردن صفحه تاریخ ناامید می گردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک می شد.

اما پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم و علی علیه السلام وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار می ماند و این راه بسته نمی شود و این نزاع و نبرد حق و باطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمی پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهما السلام تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضتهای شیعه و مسلمین علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است؛ که می بینیم همیشه از میان شکست ها پیروزی هایی آشکار و در عین ذلت ظاهری، پرتو و شعاع عزت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده ها و همت ها به حرکت و جنبش در می آید و افراد با اراده و مصمم و متعهد وارد میدان می شوند؛ و هر چه دشمنان حق و عدالت، مسلمانان را می

کشند و به زندان می اندازند و هر گونه شکنجه و عذابی را در باره آنها اجرا می نمایند و آنها را از اجرای قوانین اسلام و برقرار کردن شعائر دینی با زور و تطمیع باز می دارند و تعلیم و تربیتشان و مطبوعات و تبلیغات و تمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی را ضد اسلامی و منحرف کننده می سازند، در ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین و نقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می یابد تا ملتهائی مثل ایران، الجزایر و اندونزی آزاد می شوند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر _ عجل الله تعالی فرجه _ و از این جهت است که ثواب منتظرین مانند ثواب مجاهدین و بلکه شهیدان بدر و اُحد است.

و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نامساعد و ناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی شود و روز این دین به آخر نمی رسد.

و این است همان فلسفه ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آنها و مشوّق آنان به استقامت و پایداری و مقاومت و جهاد بوده است. و در حقیقت، انتظار، فلسفه محکم و استواری است که در تمام ادیان مورد توجه بوده و به آن عقیده داشته اند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته اند و همه در انتظار آینده عالی تر و بهتر بوده اند و ظهور اسلام، این دین جامع، به تمام آنها

نوید داده شد; تا وقتی خورشید جهانتاب اسلام طلوع کرد و عالم، و تمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت ها و ادیان است، مسأله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخر الزمان و ولی دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین، و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد.

عامل بقا

بنا بر این چنانکه از بررسیهای عمقیق و دقیق در تاریخ و در فلسفه ادیان، و در قرآن کریم و احادیث و روایات استفاده می شود، فلسفه انتظار مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

دیدگاه وسیع

در ضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق نظر بلند مسلمانان و مخصوصاً شیعیان را نشان می دهد.

در حالی که بسیاری از مردم و ملل دیگر انتظار می برند که بر ملل دیگر مسلط شده و آنها را استثمار نمایند.

و در حالی که هر یک از شرق و غرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا در آید و جهان مسخّر هوی و هوسشان گردد.

و در هنگامی که کمپانیهای بازرگانی و حکومتهای زیر نفوذ آنها انتظار می کشند دنیا بازار تجارت آنها شود و بشر در عالم اقتصاد برده آنها گردد.

و در وقتی که گروههای بسیاری در جهان بی هدف امروز در کنار کاباره ها و سینماها و تماشاخانه ها صف کشیده و دقیقه شماری می کنند و در انتظارند که در این اماکن فساد به رویشان باز شود و به این ترتیب هستی خویش را تباه می کنند.

در این هنگام، مسلمان آگاه و روشن فکر و شیعه متعهد و مبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حق و عدالت و توحید و حکومت جهانی اسلام و احکام خدا در آید و تمام بی عدالتیها و نابرابریها نابود گردد و این فاصله های پوچ از

میان خلق خدا برداشته شود.

مسلمانان انتظار روزی را می کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه کن گردد و بینش و بصیرت جامعه، کامل، و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیائی و ملی و دینی، و سیاستها و رژیمها و مسلکهای باطل از بین برود.

این بینش و مقصد و هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است.

این انتظار، شخص را متعهد و مسؤول می سازد که برای تحقق هدفهای اسلام و عملی شدن برنامه های دین بدون هیچ یأس و ضعف و سستی و ناامیدی، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه یک گام به سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود.

این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، با اراده، نفوذ ناپذیر، مستقل، شجاع و بلند همت می سازد.

این انتظار، لفظ نیست; گفتن نیست; عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبائی و مقاومت است.

نیمه شعبان

نیمه شعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده شدن برای جهاد بیشتر، مقاومتهای سخت تر; و جشن و چراغانی آن، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه منتظران و نمایش شادمانیها و زوال تاریکیها در جامعه جهانی اسلام است.

کسی که منتظر است، باید به سوی آن رستاخیز عظیم و بی مانند قدم بردارد و آماده شود و از هر فرصتی بهره برداری نماید، و دین خدا

و احکام خدا و آنچه را که به صاحب وقت و ولی عصر ـ أرواحنا له الفداء ـ انتساب دارد، از مال و جان و فرزند و مقام خود گرامی تر بدارد و برای حفظ و نگاهداری آن کوشاتر باشد; و باید جشن و چراغانی و تبلیغات و سخنرانیها و مجالس و محافل نور، این انتظار حقیقی را در دلها روشن تر سازد و بر نشاط و تعهّد و مقاومت جامعه بیفزاید.

کسی که منتظر است، به معانی بزرگی که از جشن و چراغانی نیمه شعبان در نظر است التفات داشته و هدف و مقصد را فراموش نمی نماید، و جشن و چراغانی را وسیله سرگرمی قرار نمی دهد; و به جای وظائف خطیر و مسؤولیتهای مهمی که در برابر خدا و قرآن و شخص حضرت ولی عصر ـ أرواح العالمین له الفداء ـ و اسلام و تشیع دارد، به مراسم خشک و خالی جشن و چراغانی اکتفا نمی کند، و از حقیقت و درسی که از این مراسم باید گرفت غافل نخواهد ماند، تا خدای نخواسته دشمنان یا نادانان، این مراسم و بلکه اصل انتظار را عوضی تفسیر نمایند و آن را عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف بشمارند.

این جشنها و چراغانی ها باید اعلان وفاداری به اسلام و تصمیم محکم به مقاومت در برابر نقشه های ضد اسلام، و ابراز علاقه به قرآن، و مطالبه حقوق اسلامی، و هم صدایی و اتفاق و اتحاد باشد.

این مراسم که در نهایت خلوص صورت می گیرد، اعلام خواسته های حقیقی جامعه، مخالفت همگان با نظامهای نا مشروع، و موافقت آرای عموم

با نظام خالص و صحیح اسلامی است که باید همیشه و در تمام مواقع و فرصتها ابراز شود.

والسـلام علی ناموس الله الاکبر والامام الثانی عشـر أب الوقت، ومولی الزمان الـذی هو للحق أمین، وللخلق أمان، مولانا وسـیدنا صاحب الزمان أرواح العالمین له الفدا وعجل الله تعالی فرجه و جعلنا من شیعته وأنصاره وأعوانه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹